

متن پرسش

سلام استاد: ان شا الله خدا به شما عزت دو دنیا دهد. در دوران دانشجویی به یک خودآگاهی نسبت به آنچه هستم آنچه باید باشم و مسیری که باید طی کنم داشتم حتی خطاها و اثرات آن بر مسیرم را به الطاف حضرت حق متوجه می شدم. هر زیارت مشهد برای من مملو بود از حس آرامش و حتی توبیخ از ترک فعل ها و خطاها و البته دریافت های معنوی که مقداری از آنچه باید طی کنم را پیش رویم قرار می داد و نگاه امام رضا و هدایت ایشان برایم بسیار آشکار بود و رزق های مشهدم در سال زیاد بود. مدتی است خودآگاهی که داشتم از بین رفته است و گویا در بیابان تاریکی قدم می گذارم که نمی دانم هر قدم مرا از مقصد دور کرده یا نزدیک. آنچه قبلاً دریافتم دیگر نیست مثل همان علم حضوری که شما در مباحثتان مطرح می کنید. رزق مشهدم کم شده است و دیگر نه تنها از آن دریافت ها و رزق های معنوی خبری نیست و آن حس آرامش بعد از حرم و مشهد وجود ندارد بلکه هر بار که برای زیارت به مشهد می رویم یک اتفاقی ناراحت کننده می افتد که حس و حال و فرصت زیارت را از ما می گیرد. و این داستان هر باز تکرار می شود من به هر دری زده ام و از هر چه فکر می کردم خطا بوده توبه کرده و از امام رضا عذرخواهی کرده ام اما این گره انگار کور تر می شود خواهش می کنم اگر می توانید راهنمایی ام کنید

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همیشه در مسیر رجوع به حضرت محبوب همین طور است که نفعات و خطورات معنوی ابتدا می آیند تا ما را تشویق کنند به سوی معارفی که باید درک کنیم. معارفی که آن احوالات را برای ما نهادینه می کند و از این جهت اگر با معارف توحیدی و تدبّر در قرآن کار را ادامه دهیم، آن احوالات با حالتی بسی عمیق تر به سراغ انسان می آید و در واقع حکم «مما کسبت» پیدا می کند. موفق باشید